

## هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه مقدمه هجرت انسان از خویشتن است

### هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه نقشه راه هجرت‌های انسان ساز تاریخ بود

هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه به مدینه از مهم‌ترین اتفاقات تاریخ اسلام بود. بعد از آن که دو ستون محکم اسلام یعنی حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه در دهمین سال بعثت از دنیا رفتند، جسارت و شجاعت قریش در مقابل رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بسیار شدید شد. آن‌ها به قدری مسلمانان را آزار داده و عرصه را بر آن‌ها تنگ کردند، که تصمیم هجرت به مدینه جدی و جدی‌تر شد.

مقدمات این تصمیم به مرور فراهم شد و رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) که مردم مدینه را مشتاق دیدند، در پیمان‌های عقبه با آنها بیعت کردند و پس از مدتی مسلمانان را مخفیانه و نامحسوس به مدینه فرستادند. پس از مدتی قریش تصمیم به قتل شبانه ایشان گرفتند و حضرت جبرئیل خبر این توطئه شوم را به حضرت رساندند. پس در سال سیزدهم بعثت حضرت علی (علیه السلام)

در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خوابیدند تا کسی متوجه عدم حضور حضرت نشود و هجرت پیامبر به سلامتی اتفاق بیفتد. رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) از انتخاب مدینه برای هجرت دلایل محکمی داشتند؛ ایشان سال‌ها در مکه تبلیغ کرده و دیگر وقت گسترش اسلام بود. چون مکه شهر بسیار مهمی بود، حضرت باید شهر نزدیکی به مکه را برای هجرت انتخاب می‌کردند و مدینه به مکه نزدیک بود، موقعیت جغرافیایی و کشاورزی خوب مدینه هم دلیل مهمی برای این انتخاب بود، چون با این وجود مسلمانان کمتر برای امرار معاش به مشکل برمی‌خوردند.

پس هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به مدینه آغاز شد و زمینه تشکیل حکومت اسلامی فراهم شد. اهمیت مسئله هجرت در تاریخ به قدری زیاد است، که این حادثه مبدأ تاریخ اسلام قرار گرفت.

اما به راستی هجرت، فقط هجرت از وطن است؟ هجرت مفهومی بسیار عمیق و چالش‌برانگیز است و انواع و اقسام مختلفی دارد. بر هر مسلمانی واجب است از هر شرایطی که بین او و خدا فاصله می‌اندازد، هجرت کند؛ مثل هجرت از وطن، هجرت از بعضی شرایط شغلی و موقعیت‌های تحصیلی.

اما هجرتی که از تمامی این هجرت‌ها شریف‌تر و بنیادی‌تر است، هجرت از خود است؛ هجرت از خود قلبی و معشوق‌های کوچک و محدودش به خود حقیقی و معشوق یکتا و بی‌نهایتش. از دیگر هجرت‌های بسیار سخت و سرنوشت‌ساز هر انسان هم هجرت از گناهان و ردایل اوست.

حال این سؤال مطرح می‌شود، که علت این هجرت‌ها و اهمیت آن‌ها چیست؟ ما به دنبال چه هجرتی هستیم؟ اگرچه به صورت مبسوط به پاسخ این سؤالات می‌پردازیم؛ اما آن‌چه باید بدانیم این است که در لابه‌لای صفحات تاریخ می‌بینیم، که فقط کسانی به معیت امام عصرشان می‌رسند که اهل هجرت باشند، آن‌هم نه هجرت جسمی و فیزیکی بلکه هجرت از خود قلبی‌شان، ردایل و صفات نادرستشان. در حقیقت عیار صدق هر فرد در امام‌خواهی و امام‌داری او را میزان هجرت‌های او نشان می‌دهند.

### هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تورق تاریخ

ده سال از بعثت پیامبر گذشته بود که سالی پر از غم برای رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مسلمانان رقم خورد. سالی که حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه در آن از دنیا رفتند و مردم از شدت غم آن‌را عام‌الحرزن<sup>1</sup> نامیدند.

این دو رحلت دردناک فقط به مفهوم از دست دادن عمو و همسری فداکار نبود؛ بلکه رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پشتوانه‌های عاطفی، حامی‌های مالی و حمایت‌گرهای سیاسی و اجتماعی خود را از دست داده بودند. همسری که تمام ثروت و حشمت خود را به پای اسلام ریخت، تا درخت اسلام قد بکشد و در جان مردم ریشه کند؛ عمویی که 42 سال از حضرت حمایت کرد و قریش از ترس او به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آسیبی نمی‌رساندند.

رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در راه تبلیغ و معرفی اسلام هرگونه توهین و تمسخری را به جان می‌خریدند؛ اما حضرت ابوطالب این بی‌احترامی‌ها را طاقت نمی‌آوردند و آن‌ها را به شدیدترین شکل جبران می‌کردند. برای مثال آورده‌اند که قریش برای تحقیر

<sup>1</sup> سال غم‌ها

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام عبور ایشان از گذرها بر سر ایشان شکنجه گوسفند و رحم متعفن شتر می ریختند؛ این ماجرا به ابوطالب سخت آمد و ایشان حمزه را به دنبال توهین کنندگان فرستادند و بر سرشان رحم شتر ریختند.

بعد از وفات این دو ستون محکم برای اسلام و رسولش قریش فرصت را برای انتقام از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و حذف ایشان مناسب دیدند. آن‌ها عرصه را بر مسلمانان تنگ کردند و تصمیم هجرت به مرور در ذهن حضرت شکل گرفت. سپس ایشان با دو پیمان عقبه اول و دوم در سال‌های دوازدهم و سیزدهم بعثت با اهل مدینه بیعت بستند.<sup>۲</sup> این بیعت مقدمه هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به مکه شد. حضرت بعد از این بیعت مخفیانه فردی خوش صدا و خوش چهره به نام مصعب بن عمیر را برای تبلیغ و معرفی اسلام به مدینه فرستادند تا مقدمات آمدن حضرت به مدینه را فراهم کرده و قلب‌های مردم را برای ورود اسلام نرم کند.

سال چهاردهم بعثت بود که بزرگان قریش در دارالندوه<sup>۳</sup> جمع شدند و نقشه قتل شبانه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را کشیدند.<sup>۴</sup> جبرئیل بر حضرت نازل شد و راز مجلس نحس مشرکان را برای حضرت فاش کرد.<sup>۵</sup> رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) با همراهی حضرت علی (علیه السلام) نقشه‌ای دقیق و حساب شده طراحی و اجرا کردند؛ در همان شبی که قریش قصد قتل رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) را داشتند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بستر ایشان خوابیدند<sup>۶</sup> و رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه خارج شدند.

حضرت برای انتخاب مدینه به عنوان محل هجرت خود دلایل محکمی داشتند:

- ایشان در دوران بعثت خود نهایت بهره‌برداری را از مکه کرده بودند و فعلاً در این شهر کاری نداشتند؛ در نتیجه دیگر وقت گسترش اسلام شده بود.
- مکه مرکز شرک و بت پرستی بود، پس حضرت باید مکانی را برای هجرت انتخاب می‌کردند که نزدیک و مسلط به مکه باشد.
- مدینه در مسیر کاروان‌های بازرگانی قریش قرار داشت و می‌توانست اقتصاد قریش را تهدید کند.

ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 1، ص 171 / ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الدرر، ص 67<sup>۲</sup>

محلّی که قریش برای تصمیمات مهمشان در آنجا گرد هم می‌آمدند.<sup>۳</sup>

دانشنامه جهان اسلام، ج 16 / ابن اثیر، الكامل فی التاریخ<sup>۴</sup>

انفال/30<sup>۵</sup>

این شب در تاریخ به لیله‌المبیت مشهور است<sup>۶</sup>

- مدینه خاک کشاورزی حاصل خیزی داشت و مسلمانان می توانستند از نظر اقتصادی مستقل شوند.
- ایران، روم و شام در آن زمان تحت سلطه قدرتمندان خطرناکی بودند، حبشه هم از نظر موقعیت جغرافیایی و سیاسی برای مقرر حکومت اسلامی مناسب نبود و پیامبر مجبور به انتخاب مدینه‌ای بود که مردمش هم به اسلام علاقمند بودند.

### آیا معنای هجرت، فقط هجرت از وطن است؟

آنچه اغلب ما در طول عمر خوانده‌ایم و شنیده‌ایم این بوده که هجرت پیامبر به معنای ترک خانه و وطن است، اما آیا هجرت فقط به این معناست؟ آیا هیچ نمونه و مصداق دیگری از هجرت وجود ندارد؟

از مهم‌ترین انواع هجرت، هجرت از وطنی است که حفظ ایمان در آن ممکن نیست، مثل هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از مکه. باید رفت تا با قدرت برگشت.<sup>۷</sup> رسول هجرت می‌کند تا سازنده باشد. او مکه را رها نکرده است، بیرون آمده تا دوباره به سمت آن برگردد. هجرت پامبر رها کردن نیست، فرار کردن نیست، هجرتی زیبا و سازنده است.<sup>۸</sup>

اما هجرت انواع و اقسام مختلفی دارد. بر هر مسلمانی واجب است که از هر شرایطی که دین او را به خطر انداخته و بین او و خدا فاصله می‌اندازد، هجرت کند؛ مثل ترک و هجرت از بعضی شرایط شغلی و موقعیت‌های تحصیلی که حضور در آن موقعیت‌ها منجر به سستی و بی‌علاقگی به دین و اعتقادات می‌شود. گاهی هم هجرت در شرایطی معنا می‌شود که ما مجبور به ترک جمع دوستان و عزیزانی می‌شویم که بودن در کنار آن‌ها ما را در عقایدمان تنبیل و بی‌میل می‌کند، یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت در کنار آنها رشد و حرکتی نداریم.

بعضی اوقات هم ممکن است شرایط به ظاهر مقدسی در زندگی ما وجود داشته باشد، که ما را فریب داده و از هدف اصلی دور می‌کنند، مثل طلبه‌ای که درس و حوزه را واجب می‌بیند و جهاد در راه خدا را ترک می‌کند؛ یا مثل عالم مجتهدی که

علی صفایی حائری، صراط، ص 80<sup>۷</sup>

علی صفایی حائری، حرکت، ص 200<sup>۸</sup>

درس و بحث و منبر را به قیام و انقلاب علیه حکومت فاسد ترجیح می‌دهد. هجرت از این موقعیت‌های مقدس فریبنده به سمت تکلیف حقیقی بسیار ارزشمندتر از هجرت از وطن هستند.

اما هجرت از خود نوعی از هجرت است که اگر آن را بیاموزیم، تمام هجرت‌ها را در چشم‌برهم‌زدنی خواهیم آموخت. در حقیقت هجرت از خود قلبی‌مان به سمت خود حقیقی‌مان، سرنوشت‌سازترین هجرت ماست. هجرتی که فقط مخصوص افراد شجاع و قدرتمند است؛ همان افرادی که حاضرند تمام معشوق‌های پر زرق و برق و محدود زمینی را روی همان زمین بگذارند و به سمت حقیقی‌ترین معشوق عالم یعنی خدا بروند و در یک تشریفات مجلل آسمانی مهاجر الی الله نام بگیرند.

هجرتی هم هست، که مهاجرانش به فرموده رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شریف‌ترین و بهترین مهاجران عالم هستند؛ هجرت‌کنندگان از گناهان و ردایل. این نوع از هجرت به قدری مهم و انسان‌ساز است که علامه طباطبایی مفهوم «مهاجران» در آیه مشهور 195 سوره آل‌عمران<sup>9</sup> را کسانی دانسته‌اند که از گناهان کبیره‌شان توبه می‌کنند<sup>10</sup>. هجرت از ردایل و گناهان همان گم شده‌ای است که ما در پس هجرت از وطن، آن را گم کرده و از آن غافل شده‌ایم.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خطبه‌ای فرمودند: «بعضی می‌گویند مهاجرت کرده‌ام، در حالی که مهاجرت نکرده‌اند، مهاجرین حقیقی کسانی هستند که گناهانشان را ترک کرده و انجام ندهند.»<sup>11</sup>

## هجرتی از ما تا امام زمانمان

اغلب ما مفهوم حقیقی هجرت پیامبر را لابه‌لای شعارها و جملات سنگین و نامفهوم گم کرده‌ایم، در حالی که هجرت حقیقی باید در درون ما شکل بگیرد. هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و یارانشان از مکه بعد از سال‌ها تلاش در جهت هجرت از اخلاق ناپسند و ردایل درونی‌شان صورت گرفت. این الگو به ما یاد می‌دهد تا از درون خودمان سر درنیاوریم و با خود صادق نباشیم،

پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدیهای آنان را بیوشانم و آنها را به بهشتهایی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو

المیزان فی التفسیر القرآن، جلد 44، ص 88<sup>10</sup>

علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد 68، ص 232<sup>11</sup>

اتفاق‌های بزرگ برای ما رقم نمی‌خورد. شاید بهتر است، ساعاتی با خود خلوت کنیم و به قیمت واقعی خودمان فکر کنیم. شاید بعد از آن که قیمت خودمان را شناختیم، از جایگاه فعلی‌مان راضی نباشیم و بخواهیم آن را ترک کنیم. شاید اگر به این نتیجه برسیم که معشوق‌های دنیا مثل همسر و اموال و فرزندان ما را چنان زمین‌گیر کرده که از آسمان و معشوق‌های حقیقی‌مان یعنی خدا و اهل‌بیت و جهاد دور افتاده‌ایم، دل‌مان یک کوچ و هجرت بخواید؛ هجرت از تمام آن‌چه هستیم و

داریم، به تمام آن‌چه نیستیم و باید به دست بیاوریم. درست مثل ابوطالب، درست مثل اصحاب امام حسین (علیه‌السلام).

اصحاب امام حسین (علیه‌السلام) آزمون هجرت خود را بارها در میدان امتحان‌های زندگی‌شان پس داده بودند، تا در نهایت لایق هجرت عظیم با حسین (علیه‌السلام) شدند. هر کدام از این اصحاب بارها از منیت‌هایشان، ردآیلشان، صفات ناپسندشان و تشخیص‌های خودسرانه‌شان هجرت کرده بودند و برای هر کدام از این هجرت‌ها دردها کشیده و خون دل‌ها خورده بودند، تا روزی لایق عروج با امام زمانشان شدند.

تعداد افرادی که هنگام خروج امام حسین (علیه‌السلام) از مدینه به سمت عراق جسم‌شان همراه امام از مدینه هجرت کرد، بسیار بیشتر از افرادی بود که در عاشورا کنار ایشان به سعادت شهادت رسیدند. سایرین منزل به منزل بر اساس میزان و کیفیت هجرت‌های درونی‌شان غربال می‌شدند و از حسین (علیه‌السلام) فاصله می‌گرفتند.

تاریخ سرگذشت و سرنوشت تمام افراد در مقابل امام زمان‌شان به ما آموخت، فقط کسانی در معرکه‌های امام‌داری غربال نمی‌شوند و از معیت امام عصرشان عقب نمی‌افتند که اهل هجرت باشند؛ اما نه هجرت‌های جسمی و فیزیکی، بلکه هجرت از خود تقلبی و هجرت از ردآیلشان.

صفحات تاریخ ورق خورده و امروز نوبت به ما رسیده است، تا تاریخ ببیند ما با فرزند رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یعنی مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) چه می‌کنیم. آیا برای خودشناسی و قیمت‌گذاری خود وقتی گذاشته‌ایم؟ آیا با یک حساب سرانگشتی چرتکه انداخته‌ایم، تا ببینیم خود را به قیمت فروخته‌ایم یا نه؟

اصحاب امام اهل هجرتند و شیطان و نفس مثل دو نگهبان زنده بر شاه‌راه‌های هجرت انسان نشسته‌اند، تا نگذارند انسان به امامش برسد. اما اگر می‌خواهیم به مقام همراهی با امام عصر، ابتدا باید هجرت از خویش و آلودگی‌هایش را تمرین کنیم.

هجرت پیامبر از مکه به مدینه به ما آموخت که عبور کردن از خود و بریدن از تمام تعلقاتی که زندگی ما را ساخته‌اند، گرچه بسیار سخت است، اما رمز همراهی ما با امام زمان مان است. در زمان هجرت پیامبر به مدینه و حتی پیش از آن در زمان محاصره مسلمانان در شعب ابی طالب افرادی بودند، که به حقانیت پیامبر ایمان داشتند و در دل از مسلمانان بودند، اما توانایی بریدن از تعلقات مادی و معنوی زندگی را نداشته و موفق نشدند در صف یاران رسول الله قرار بگیرند و ایمان‌شان تا پایان عمر به ایمانی کامل و استوار که شادی و آرامشی پایدار را به همراه می‌آورد، تبدیل نشد و آن‌ها تا پایان عمر در میان بندهای نفس خود گرفتار ماندند. به امید این که با الگوگیری از پیامبر و یاران حقیقی ایشان بتوانیم از نفس خود هجرت کرده و به سمت صف یاران امام عصرمان کوچ کنیم.